

ارزیابی تحقق یابی مسئولیت دولت در قبال رفاه شهروندی با تاکید بر حق مسکن (مطالعه موردی: نواحی مرزی کشور)

مصطفی نسائی

دانشجوی دکتری حقوق عمومی واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

خداداد خدادادی دشتکی*

دکتری حقوق خصوصی مرکز اصفهان، دانشگاه پیام نور، اصفهان، ایران

علی پریمی

دکتری تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۴

چکیده

این تحقیق با هدف ارزیابی تحقق یابی مسئولیت دولت در قبال رفاه شهروندی با تاکید بر حق مسکن در نواحی مرزی کشور انجام گرفت. روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی از نوع پیمایشی و از نظر هدف کاربردی می باشد. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای و اسنادی بوده، از روش های کتابخانه ای، اسنادی، پایگاه های علمی در اینترنت و داده ای سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵ استفاده شده است. در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل میزان تحقق پذیری مسکن در استان های مرزی از مدل تحلیل فازی تاپسیس و برای ترسیم سطوح نیازمند توسعه مسکن در هراستان از نرم افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی ARCGIS استفاده شده است. استان های مرزی کشور شامل ۱۶ استان می باشد. جمعیت استان های مرزی ۳۶۵۸۳۸۳۸ نفر می باشد که ۴۸،۶۴ درصد از جمعیت کشور را در برمی گیرد و همچنین مساحت استان های مرزی ۶۵۱۳۱۹ کیلومتر مربع می باشد. نتایج حاصل از رتبه بندی گزینه ها با تکنیک تاپسیس فازی حاکی از این است که گزینه مصالح بادوام، کمترین فاصله تا ایده آل مثبت و بالاترین وزن موثر را نسبت به سایر گزینه ها بر تحقق پذیری مسکن در نواحی مرزی کشور دارا است. براساس اوزان محاسبه شده مدل تاپسیس فازی، نقشه معیارهای مورد نیاز تهیه و وارد نرم افزار ARCGIS شده و پس از تلفیق لایه ها به روش "کانونی معکوس"، اولویت تحقق تامین مسکن هراستان به منظور بهبود رفاه شهروندان ساکن در این مناطق مشخص شده است. نتایج حاصل از این تکنیک تلفیقی (تاپسیس-جی ای اس) به روش "کانونی معکوس"، نشان می دهد که استان های سیستان و بلوچستان، بوشهر، و هرمزگان کمترین امتیاز (بهترین رتبه) و استان های مازندران، گیلان و آذربایجان شرقی بیشترین امتیاز (پایین ترین رتبه) را کسب کرده اند. به دلیل افزایش قیمت مسکن و تقاضای روزافزون، سیاست گذاری های تامین مسکن بایستی متناسب با رشد جمعیت در نواحی شناسایی شده بهینه گردد.

واژگان کلیدی: مسئولیت دولت، رفاه شهروندی، تامین مسکن نواحی مرزی کشور

*نویسنده مسئول: kh_khodadadi_1391@yahoo.com

مقدمه

از اصول اولیه و مبانی دولت رفاه، این است که حداقل امکانات رفاهی برای شهروندان فراهم گردد، بنابراین بند یک اصل ۴۳ قانون اساسی، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران را براساس ضوابطی استوار می‌سازد که یکی از آنها تامین نیازهای اساسی مردم مانند مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای آحاد جامعه است. دولت رفاه، دولتی است که در آن تامین و بهبود رفاه عمومی، وظیفه قانونی نهادهای قدرت است. در این نظام اقتصادی، دولت از همه کسانی که به هر دلیل نتوانند هزینه‌های خود را تامین کنند، حمایت می‌کند. داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است (زاهدی، ۱۳۹۵: ۴۹). دولت موظف است با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندترند به خصوص روستائینان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند. متن بالا، اصل ۳۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که حق هر فرد و خانواده ایرانی را در خصوص داشتن مسکن، مطرح می‌کند که براساس این اصل، دولت‌ها موظف به تأمین آن شده‌اند. از آنجا که حق مسکن هم، یکی از حقوق اساسی هر فرد در جامعه محسوب می‌شود، اصل ۳۱ قانون اساسی بر این امر تصریح داشته و به خصوص در مورد اقشار نیازمندتر، بر اجرای آن تأکید کرده است (مخبر، ۱۳۹۲: ۳۲). دولت در هر جامعه، متولی و متصدی اداره کشور به عنوان نماینده ملت تلقی شده و مجموعه امکانات جامعه برای اجرای وظایف محوله، به این نهاد واگذار می‌گردد. در واقع بین دولت و ملت در تمام دنیا یک قرارداد نانوشته و در عین حال نوشته‌ای وجود دارد. این رابطه حقوقی به صورت نانوشته در ذات و طبیعت خود، حقی برای آحاد مردم تحت حاکمیت و تکلیفی برای دولت ایجاب می‌کند و در چارچوب عقد اجتماعی یا میثاق ملی که حقوقدانان آن را در چارچوب قانون اساسی منعکس می‌دانند، تکالیف مشخصی برای دولت تعیین می‌کند که متقابلاً به عنوان حقوق و آزادی‌های ملت از آن نام می‌برند (سراجی، ۱۳۹۳: ۲۵). تأمین مسکن یعنی با در نظر داشتن شرایط فردی، اقتصادی، طبقات اجتماعی و تعداد عائله یا بستر سازی برای ایجاد تعهد، یک مسکن مناسب با فرهنگ و سایر پارامترها برای مردم تأمین شود. مسئله کلیدی در مقوله‌ی در دسترس بودن مسکن برای شهروندان، قیمت مسکن است. بدیهی است قیمت مسکن نباید از طریق جریان سفته بازی به قدری بالا رود که مالکیت مسکن از دسترس عامه مردم دور باشد (پورمحمدی، ۱۳۹۳: ۲۶). برای تحقق این مهم، دولت می‌تواند با تمسک به ابزارهایی که در اختیار دارد مثل مالیات بر زمین، از پایین ماندن قیمت مسکن دفاع کند. قیمت مسکن به موضوع شهرسازی نیز وابسته است. زمانی که امکانات و دسترسی‌های فراوان در شهری متمرکز می‌شود، سوداگری نیز سهل‌تر خواهد شد و قیمت مسکن بالا خواهد رفت. از این رو قیمت مسکن، تا حد زیادی به نحوه توزیع جمعیت در جغرافیا نیز مربوط است. اینطور نیست که موضوع مسکن صرفاً با کنترل قیمت آن حل شود. عرضه معقول باید در سراسر کشور صورت گیرد. منظور از عرضه معقول مسکن، شهرسازی مناسب است؛ یعنی هزینه‌ها و امکانات عمومی به طور یکپارچه‌ای در سراسر جغرافیای ایران با در نظر گرفتن شرایط اقلیمی و توسعه‌ی فضایی مبتنی بر اصول آمایش سرزمین

به گونه‌ای توزیع شود که قیمت زمین نتواند به سادگی بالا رود. از منظر جامعه‌شناسی؛ برای داشتن یک زندگی متعادل و متعارف؛ نیاز به مؤلفه‌های کار، مسکن، آموزش و بهداشت داریم، این چهار اولویت که نیازهای حداقلی به آن‌ها اطلاق می‌شود، اجزای لازم زندگی یک انسان متعارف است،-انسانی که در جوامع غیرمسلمان با رعایت حقوق فردی و احتیاجات آن در کانون توجه قرار گرفته و خانه‌هایی با قیمت مناسب ساخته شده و در اختیار مردم نیازمند قرار می‌گیرد(مشتاق،۱۳۹۶:۱۳۹)، ولی در کشور ما با وجود اینکه داعیه عدل علوی و آزادی حسینی داریم عملاً آموزش، بهداشت، کار، اشتغال و مسکن به عنوان رویاهای دست نیافتنی برای بخشی از مردم تبدیل شده و امکانات مربوط به مسکن، آموزش و بهداشت به خانواده‌های مرفه و عمدتاً ثروتمند شده بعد از انقلاب اختصاص یافته است. دولت‌های مختلف، سازوکارهای ویژه‌ای در جهت مسکن شهروندان در قالب طرح مسکن مهر، بسیجیان، هزار دستگاه، پردیس و ... انجام داده‌اند؛ اما به دلیل عدم تعهدات در اتمام پروژه‌ها و احداث بناها در جاهای نامناسب، عملاً نتوانسته‌اند حق مسکن که یکی از حقوق اساسی شهروندان ملت است را برآورده کنند (خسروی،۱۳۹۶:۷۸). بخش مسکن از بخش‌های پیشرو در هر اقتصادی است که توجه به آن علاوه بر تأثیرات ژرف اجتماعی- فرهنگی، به لحاظ اقتصادی نیز حائز اهمیت بوده و همچون موتور رشد و توسعه عمل نموده و این بخش با ایجاد رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال در بخش ساختمان و بخش‌های وابسته از طریق اثر بر مخارج مصرفی و سرمایه‌گذاری، تغییراتی در تولید ناخالص داخلی ایجاد کرده و نوسانات اقتصادی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو کشورها در شرایط بحران اقتصادی و جدی شدن معضل بیکاری، از این بخش به عنوان موتور رشد و مولد اشتغال کمک می‌گیرند. درعین حال، هرگونه بی‌ثباتی در اقتصاد کلان می‌تواند سیستم کارآی مسکن (وهر بخش اقتصادی دیگری) را غیر کارآمد ساخته و اهداف تعیین شده در بخش را دور از دسترس سازد، پس شرط اولیه در تمهید بخش مسکن کارآمد، ایجاد محیط باثبات اقتصادی است (توفیق،۱۳۹۴:۱۷۹). لذا با توجه به مطالب فوق الذکر و باتوجه به اهمیت مناطق مرزی و ضرورت تامین مسکن ایمن و ارزان قیمت برای جلوگیری از مهاجرت روستائیان و شهرهای مرزی به کلانشهرها و همچنین باتوجه به ویژگی‌های جغرافیایی و توانمندی‌های محیطی هر یک از مناطق مرزی تامین مسکن و معیشت پایدار که می‌تواند گامی موثر در امنیت اقتصادی و اجتماعی این مناطق گردد، مساله اصلی این تحقیق ارزیابی تحقق مسئولیت دولت در قبال رفاه شهروندی با تاکید بر حق مسکن می باشد .

مبانی نظری:

شاخص‌های رفاه اجتماعی شهروندان در مناطق مرزی

از آنجایی که در تعریف رفاه اجتماعی و دامنه موضوعات تامین‌کننده این شاخص، عوامل مختلفی نقش دارند؛ مهم‌ترین عوامل موثر بر آن عبارتند از:

۱. اشتغال کامل: منظور از اشتغال کامل؛ وضعی است که در آن هرکس قادر و مایل باشد بتواند شغل مناسبی برای خود به دست آورد. در شرایط اشتغال کامل، هرکس باید در شغل تخصصی خود مشغول بوده و در تولید متناسب با تجربه و تخصص خود موثر باشد، یا به عبارتی دیگر در اشتغال کامل، نرخ بیکاری پنهان نیز پایین باشد.

۲. تولید درآمد سرانه: از درآمد سرانه اغلب به عنوان شاخص سطح زندگی و توسعه استفاده می‌شود؛ زیرا نمایانگر چگونگی توزیع درآمد و مالکیت دارایی‌ها نیست.

۳. سطح بالای زندگی: میزان رضایت از تحقق خواسته‌های مادی و معنوی، شخص، خانواده یا گروهی از مردم را، سطح زندگی می‌گویند. اگر افراد تنها قادر به تامین حداقل مواد غذایی، مسکن و پوشاک باشند، گفته می‌شود که سطح زندگی آنان بسیار پایین است.

۴. امید به زندگی: منظور از امید به زندگی یعنی تعداد سال‌هایی که انتظار می‌رود که به یک زندگی ایده آل دست پیدا کنیم و خطر مرگ به دلیل نبود امکانات رفاهی احساس نکنیم. ۵. نرخ باسوادی: یعنی افزایش افرادی که قادر به خواندن و نوشتن باشند.

۶. وجود کالاهای ضروری: منظور کالاهایی است که بدون آن‌ها زندگی اتفاق نمی‌افتد مانند غذا، پوشاک، مسکن و حمایت و مراقبت‌های پزشکی.

۷. توزیع درآمد: یعنی درآمد حاصل از تولید چگونه به عامل تولید تعلق می‌گیرد یا سهم هر فرد در آن تولید چقدر است.

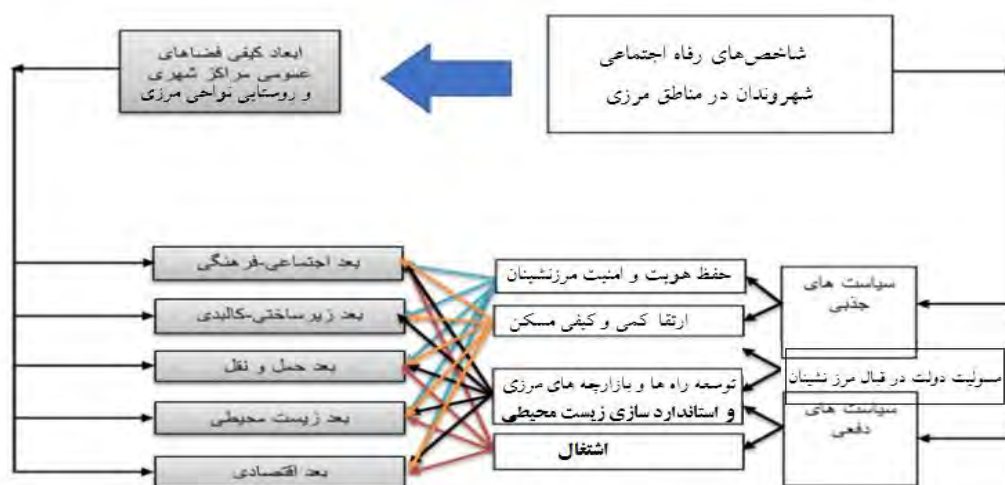
۸. توسعه انسانی: یعنی میانگین موفقیت‌های کشور در سه بعد طول عمر، دانش و سطح مطلوب زندگی است. البته شاخص‌های دیگری نیز وجود دارد ولی این چندتا شاخص از همه مهم‌تر هستند (نراین*، وولکاک†، ۲۰۱۰).

۹. توسعه راه‌های ارتباطی و استانداردهای جاده‌ها به منظور تردد آسانو ایمن در استانهای مرزی و مراکز استان و مرکز کشور

۱۰. توجه به هویت‌های فرهنگی، اجتماعی و حفظ چشم‌اندازهای معماری

* Narayan

† Woolcock



شکل ۱: مدل مفهومی کلی متغیرها و شاخص‌های پژوهش

Fig 1: General conceptual model of research variables and indicators

پیشینه تحقیق

بدراق نژاد در سال ۱۴۰۰ به بررسی نقش عوامل اثرگذار در توسعه فضایی نواحی روستایی مرزی و رازپور. ۱۴۰۰. نقش آفرینی کنشگران در تحولات سازمان فضایی مناطق مرزی پرداخت پ.ر حسین و همکاران (۱۳۹۹) والسادات حسینی و مالکی (۱۳۹۸)، تحقیقی تحت عنوان مسئولیت مدنی دولت در قبال تامین امنیت غذایی و رفاه اجتماعی انجام دادند. در بین تمامی حقوقی که با عنوان نیازهای پایه ای خانوار در یک اجتماع به افراد داده می شود. «امنیت غذایی» از مهم ترین نیازهای فردی است که مسئولیت تامین آن به عهده دولت هاست. در واقع دولت در قبال تامین امنیت غذایی و رفاه اجتماعی مسئول است. زیرا در صورت قصور و نادیده انگاشتن آن ها سلامت شهروندان به خطر می افتد و خسارت جبران ناپذیری را به بار خواهد آورد که به اصطلاح گفته می شود دولت در قبال شهروندان مسئولیت مدنی دارد. مسئولیت مدنی دولت در این زمینه به معنی تکلیف به پاسخگویی و جبران خسارت ناشی از عدم ایفای وظایف محوله مطابق قانون است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. طبق نتایج تحقیق، برای جلوگیری از فشارهای ناشی از هزینه های مربوط به دادرسی و اتلاف وقت و هزینه شهروندان، راهکارهای غیر قضایی مانند افزایش پوشش های بیمه ای و کمک-های نقدی و یارانه ای به صورت بلاعوض برای تامین جبران خسارت پیشنهاد می گردد.

امیر ساجدی (۱۳۹۵)، پژوهشی تحت عنوان حقوق بشر و حقوق شهروندی از نگاه دولت‌های اسلامی خاورمیانه با تاکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انجام داد. حقوق بشر و حقوق شهروندی از حقوق ذاتی و طبیعی انسان نشأت

گرفته و در طول تاریخ بین اندیشمندان مناطق مختلف جهان و همچنین در مکاتب الهی توجه خاصی به آنها شده است. اما متأسفانه تا پایان جنگ جهانی دوم حقوق بشر به صورت گسترده اقبالی کسب ننمود. اگر چه با اعلامیه جهانی حقوق بشر سال ۱۹۴۸ و دیگر کنوانسیون‌های مربوطه، حقوق بشر شکل جهان‌شمولی بخود گرفته ولی هنوز بسیاری از دولت‌های خاورمیانه حاضر به پذیرش تمامی بندهای آن نمی‌باشند. آنها با اظهار اینکه برخی از قوانین حقوق بشر جهانی در تضاد با آموزه‌های قرآنی است، از انجام تعهدات حقوق بشری و حقوق شهروندی‌شان خالی می‌کنند. حقوق شهروندی آن بخش از حقوق انسان‌ها را شامل می‌گردد که در قانون اساسی کشورهایشان شکل ملی بخود می‌گیرد و فقط شامل شهروندان خود آن کشور خاص می‌شود. تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی با اصول ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۳۲، ۴۷ و ... که برخی از قوانین حقوق بشری و شهروندی را در خود گنجانید، سبب این امید شد که ملت ایران پس از مدتها دوباره به حقوق بشر و حقوق شهروندی دست یابد. چگونگی پذیرش و انطباق حقوق بشری و شهروندی با قوانین شرعی و نحوه آموزش و انتقال آگاهی به ملت‌های خاورمیانه برای طلب آنها از مهم‌ترین وظایف دولت‌های ناحیه می‌باشد.

سید وحید احمدی (۱۳۹۵)، در مطالعه‌ای به بررسی نقش و جایگاه دولت در تامین مسکن انجام داد. مسکن نیاز اولیه بشر و مهم‌ترین کالایی است که تامین آن (اعم از تملک و یا استیجار)، سهم معتنی بهی از درآمد عامه مردم را به خود مشغول می‌دارد، به گونه‌ای که نوسانات قیمتی غیر معمول در این بخش که به وفور در تجربه کشورها نیز یافت می‌شود، باعث حذف قشر با درآمد متوسط و ضعیف جامعه از زمره تقاضای موثر شده و بعضاً "دسترسی به مسکن مناسب را به یک آرزوی دست نیافتنی مبدل می‌سازد. براین اساس در پارهای از موارد حوزه تامین و توزیع مسکن به موضوع و مصداق شکست بازار بدل شده و ضرورت دخالت دولت را مؤکد می‌سازد. تامین مسکن از مسئولیت‌های مهم دولت در هر مقطع زمانی می‌باشد.

پورمحمدی و اسدی (۱۳۹۳)، پژوهشی تحت عنوان ارزیابی سیاست‌های دولتی تامین مسکن در مورد گروه‌های کم درآمد شهری (مطالعه موردی شهر زنجان) انجام دادند. بخش مسکن به عنوان مهم‌ترین بخش توسعه در هر جامعه‌ای شناخته شده است. تامین مسکن کافی و قابل قبول همواره به عنوان مهم‌ترین چالش، برای جمعیت رو به تزاید در کشورهای در حال توسعه بوده و است. و در ایران نیز این مساله از مهم‌ترین چالش‌های دولت‌ها بوده است. هدف این مطالعه شناسایی موارد ضعف و قوت سیاست‌های تامین مسکن، میزان انطباق این سیاست‌ها با ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی گروه‌های کم درآمد، بررسی وضعیت تاسیسات زیربنایی و کاربری اراضی در پروژه‌های دولتی و بررسی میزان تاثیر پروژه‌های دولتی در تقلیل حاشیه نشینی می‌باشد. از هر دو روش اسنادی و میدانی (پرسشنامه، مشاهده و مصاحبه) جهت جمع‌آوری اطلاعات و از نرم افزار SPSS جهت تحلیل و ارزیابی استفاده شده است. جامعه آماری به تعداد ۱۲۱۴۱ و حجم نمونه مورد بررسی بر اساس روش کوکران ۳۷۲ واحد مسکونی می‌باشد. برای آزمون پایایی

سوالات مطرح شده در پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده که مقدار این آماره آزمون 0.71 دلالت بر پایایی قوی پرسشنامه طراحی شده دارد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که سیاست‌های دولتی تامین مسکن عنایت کمی به ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی گروه‌های کم درآمد داشته و همین امر در میزان موفقیت آن تاثیرگذار بوده است. با وجود این، سیاست‌های دولتی تامین مسکن نقش مثبتی در کاهش اسکان غیررسمی در فاصله سال‌های $2006-1996$ در این شهر داشته و در پروژه‌های دولتی تامین مسکن، الگوهای کاربری زمین و تامین نیازهای ساکنین اساساً مناسب و موفق عمل نموده است.

پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۱)، پژوهشی تحت عنوان تحلیلی بر سیاست‌های تامین مسکن توسط دولت با تأکید بر برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران انجام دادند. تامین مسکن مناسب، در کشورهای مختلف با توجه به شرایط بازار مسکن و میزان نیاز به مسکن و دیدگاه دولت‌های حاکم برای تخصیص فضا و امکانات، متفاوت و یکی از عوامل تعیین کننده کیفیت زندگی خانوارها می‌باشد. در این مقاله روش‌های مختلف تامین مسکن توسط دولت‌ها در جهان اعم از کنترل اجاره، مسکن یارانه‌ای، خانه‌سازی اجتماعی، طرح زمین خدمات، تخریب و بازسازی و توانمندسازی بررسی شده است. مقاله حاضر از نوع کاربردی و روش تحقیق آن توصیفی - تحلیلی می‌باشد و از برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و داده‌های آماری نهادهای ذیربط بهره‌گیری شده و مسکن از لحاظ اهداف کیفی، کمی و خط‌مشی‌های کلی تحلیل شده است. بر اساس نتایج و یافته‌های تحقیق در برنامه اول، بیشتر به شاخص‌های تراکم خانوار در واحد مسکونی و سرانه زیربنا توجه شده و به ساماندهی اسکان غیررسمی، بافت‌های فرسوده و افزایش تراکم ساختمانی توجهی نشده است. در برنامه دوم به بافت‌های فرسوده، افزایش تراکم و غیره توجه شد و مشکل این برنامه افزایش ساخت مسکن انفرادی بود. در برنامه سوم، به گروه‌های کم درآمد توجه خاصی شده و چالش این برنامه عدم توجه کافی به ارتباط هدف‌های بخش دولتی و خصوصی بود. در برنامه چهارم، سیاست‌های مسکن در راستای ساماندهی بافت‌های فرسوده و تامین مسکن کم‌درآمدها (مسکن مهر) تدوین گردید و حرکتی موثر در جهت عدالت اجتماعی و تامین مسکن خانوارهای کم‌درآمد بود. در نهایت، برنامه پنجم در راستای برنامه چهارم و با تأکید بر الگوهای شهرسازی اسلامی - ایرانی، مسکن مهر، ساماندهی بافت‌های فرسوده، اسکان غیررسمی و توسعه پایدار تدوین شده است.

پور عزت و همکاران (۱۳۹۰)، در مطالعه‌ای به بررسی رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخگویی و شفافیت سازمان‌ها پرداختند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که افزایش آگاهی مردم، موجب مشارکت بیشتر آنها برای ادای تکالیف در امور شهری و توسعه شهروندی فعال می‌شود، و توسعه شهروندی مشارکت‌جو و فعال، موجب افزایش شفافیت و پاسخگویی در عملکرد شهرداری (یا حداقل شکل‌گیری چنین ادراکی در شهروندان) می‌شود. تایید نشان می‌دهد که آگاهی از حقوق شهروندی و مراتب شهروندی فعال در ارتباط با حوزه‌های

گوناگون شهرداری، با یکدیگر تفاوت دارند؛ بنابراین توصیه می شود که شهرداری ها برنامه های اصلاحی خود را با رویکردهای اقتضایی تنظیم نمایند.

مجتبی همتی (۱۳۹۰)، تحقیقی تحت عنوان بررسی حق های اقتصادی - اجتماعی و نسبت آن با حقوق شهروندی در پرتو نظریه عدالت رولز انجام داد. نظریه عدالت جان رولز پرنفوذترین نظریه سده بیستم است. وی با ترسیم موقعیت اولیه، بی طرفی افراد را برای رسیدن به توافق منصفانه تضمین می کند. توافق منصفانه همان اصول عدالت است که باید روابط اجتماعی و سیاسی افراد را در جامعه تنظیم کند. مقوله شهروندی هم که تا دهه ۱۹۵۰ بیشتر در معنای شماری تکلیفی مستفاد می شود. چهار حوزه اصلی شهروندی عبارت اند از: مدنی، سیاسی، اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی، به نظر می رسد که حق های مشمول اصل نخست رولز در قلمرو حقوق شهروندی جهان شمول (حقوق بشر) قرار می گیرند. این حق ها عبارت اند از: حق بهره مندی از غذا با ارزش غذایی کافی، لباس، سرپناه، مراقبت های بهداشتی اساسی، آب پاکیزه و خدمات بهداشتی و آموزشی حداقل در سطح مقدماتی ولی، دیگر حق های اقتصادی و اجتماعی حقوق شهروندی صرف بوده و منوط به شرایط جوامع خاص اند.

بنیتو و ریوتال (۲۰۱۵)، در مطالعه خود نشان داد که مسکن از نیازهای اساس هر جامعه ای می باشد. و از آنجا که خرید مسکن چند برابر درآمد سالیانه خانوارها را به خود اختصاص می دهد، تنها عده محدودی می-توانند با درآمد جاری خود خانه بخرند. بنابراین دولت مسئولیت دارد که منابع لازم را برای تهیه مسکن شهروندان فراهم کند.

بنگتسون (۲۰۱۴)، در مطالعه خود در باب حقوق شهروندی بیان می کند که هرکس می بایست از استانداردی از زندگی برابر برای سلامت به عنوان یک خانواده (حتی اگر یک نفر باشد) برخوردار باشد. این حق شامل مسکن نیز می باشد و در بسیاری از کشورها مسکن به منزله یک حق شمرده می شود. اما به ندرت به روشنی شرح داده شده است که حق مسکن واقعاً چه چیزی است. حق مسکن نشانگر یک نگرانی سیاسی است. توجه به خانه دار شدن به مثابه یک حوزه در سیاستگذاری دولت رفاه مهم است. این گزاره نشان دهنده ارتباط میان دولت، شهروندان و تهیه خانه در واقع به عنوان بخشی از گفتمان ملی خانه دار شدن است.

مالپزی (۲۰۱۲)، در مطالعه خود نشان داد که در اکثر کشورهای درحال توسعه، سرمایه گذاری در بخش مسکن حدود ۱۰-۳ درصد تولید ناخالص داخلی را در برمی گیرد و عمده ترین هزینه خانوارها و نیز ارزشمندترین دارایی اکثر خانوارهای کم درآمد را تشکیل می دهد. در چنین شرایطی دولت مسئولیت دارد که در ارتقای وضعیت درآمدی گروه های کم درآمد، به منظور بهبود کیفیت واحدهای مسکونی آنها انجام دهد.

۵. روش تحقیق

روش تدوین این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی می باشد. در انجام رساله پیش رو از طریق مطالعه منابع کتابخانه ای انجام می گیرد. در تحقیق کتابخانه ای محقق متناسب با اهداف و سوالات خود اقدام به جمع آوری داده ها از

منابع مرتبط با موضوع می‌نماید و پس از تجزیه و تحلیل آن نسبت به سوالات و فرضیه‌های تحقیق تصمیم مناسب را اتخاذ می‌کند. ابزار گردآوری اطلاعات را به طور کلی می‌توان به دو طبقه روش‌های کتابخانه‌ای و روش‌های میدانی تقسیم نمود. گردآوری و تحصیل اطلاعات، به صورت روش کتابخانه‌ای است بدین صورت که اطلاعات مورد نظر از منابع کتابخانه‌ای (کتاب‌ها، مقاله‌ها، رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها و ...) به صورت فیش برداری تهیه و در مرحله نگارش مورد استفاده قرار گرفته و سپس تدوین و تحلیل اطلاعات به صورت تحلیلی و استنباطی اطلاعات گردآوری شده مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. تجزیه تحلیل اطلاعات بصورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

مسئولیت دولت در قبال تامین رفاه شهروندان

رفاه به معنی خوب شدن و در معنی وسیع یعنی مناسب بودن سطح معیشت مردم است. از دیدگاه صاحب‌نظرانی مانند جرمی بنتام*، رفاه اجتماعی با بهره‌مندی اجتماعی و حداکثری خیر و خوشبختی برای حداکثر آحاد مردم برابر است (زاهدی، ۱۳۹۵: ۱۱۵). بر این اساس اگر جامعه در صدد تامین رفاه اجتماعی است، و دولت وظیفه اصلی آن را بر عهده داشته باشد، بایستی نیازهای افراد، خانواده‌ها و گروه‌های مختلف جوامع را رفع کند (اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۱۵۷). مازلو با طرح نظریه سلسله مراتب نیازها، اساس فرض را بر این نهاد که انسان هفت نیاز دارد که این نیازها عبارتند از: نیازهای فیزیولوژیکی، نیاز به ایمنی، نیازهای اجتماعی، نیاز به احترام، خودشکوفایی، معرفت‌پذیری، زیباشناختی. طبق این نظریه برای افزایش رضایت‌مندی افراد باید ابتدا نیازهای اولیه افراد مانند خوراک، پوشاک، مسکن و سایر نیازهای فیزیولوژیکی تامین شود و در مراحل بعد، مسئله امنیت شغلی، نیازهای ارتباطی و نیاز به احترام مطرح می‌شود. در آخر نیز آنچه فرد می‌تواند باشد یعنی خودشکوفایی باید اتفاق بیفتد (رضایان، ۱۳۹۸: ۱۷۶).

بی‌تردید رفاه اجتماعی، محصول فرآیند توسعه اقتصادی است و توسعه اقتصادی به معنای فراگیر، زمانی اتفاق می‌افتد که فقر و نشانه‌های آن در جامعه زوده شوند و این وظیفه دولت است، که شرایط توسعه اقتصادی را ایجاد نماید. وقتی کیفیت زندگی مردم افزایش یافت یعنی این کیفیت از لحاظ سطح درآمد، مصرف مواد غذایی آن‌ها، سطح خدمات پزشکی و آموزشی بطور مناسب افزایش یافت؛ یعنی توسعه اتفاق افتاده است. یا به عبارتی دیگر، دولت شرایطی را فراهم نماید که علاوه بر موارد فوق، موارد دیگری مانند افزایش آزادی مردم در انتخاب، افزایش عزت نفس مردم از طریق استقرار نظام‌ها و نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی محقق شود. بطور کلی دلایل متفاوتی برای رفاه اجتماعی مردم وجود دارد که بطور سنتی یعنی حمایتی که جامعه برای اعضاء خود فراهم می‌کند. جامعه این حمایت‌ها را از طریق اقدامات موثر در مقابل فشارهای اقتصادی و اجتماعی که از طریق توصیف و یا کاهش شدید درآمدها ناشی از بیماری، زایمان، جراحات کاری، بیکاری، عدم اعتیاد، سالمندی و مرگ بوجود می‌آید، یا تدارک مراقبت‌های بهداشتی و

* Jeremy Bentham

تدارک یارانه‌هایی برای خانواده‌ها انجام می‌دهد که در نهایت هدف آنها تامین امکانات و نیازهای رفاهی و آسایش شهروندان است. (پرابوها*، لی‌یر†؛ ۳۱:۲۰۱۱).

سیاست‌های اجرایی دولت در تامین مسکن اقشار کم‌درآمد

در جهت فراهم کردن سکونتگاه مناسب برای دهک‌های پایین جامعه و توانایی اقشار نیازمند در صاحب مسکن شدن، اقداماتی از جمله موارد زیر صورت گرفته؛ که این اقدامات تا حدودی در جامعه عمل پوشاندن به تحقق این حق تا حدودی موثر بوده‌اند.

۱. سیاست شهرهای جدید

شهرهای جدید بعد از انقلاب اسلامی بر مبنای مصوبه ۱۳۶۴ هیات وزیران و در راستای اهدافی چون هدایت سرریز جمعیت و تمرکززدایی از شهرهای بزرگ و مادرشهرها و پاسخ‌گویی به نیاز مسکن گروه‌های کم و متوسط درآمد تصویب شدند و قرار است کل این شهرها در مجموع تا سال ۱۴۰۰ از ظرفیت جمعیت‌پذیری به میزان سه و نیم میلیون نفر (پانزده درصد جمعیت شهرهای بزرگ) برخوردار شوند (خاکپور، ۱۳۹۵:۹).

۲. سیاست ساماندهی و توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی

سکونتگاه‌های غیررسمی بافت‌هایی هستند که بیشتر در حاشیه شهرها و کلان شهرهای کشور قرار دارند و خارج از برنامه رسمی توسعه شکل گرفته‌اند. ساکنین این بافت‌ها را گروه‌های کم‌درآمد و مهاجران روستایی و تهی‌دست شهری تشکیل می‌دهند (رضویان، ۱۳۹۵:۲). سند توانمندسازی و ساماندهی اسکان غیررسمی در تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۹ به تصویب هیات دولت رسید. این سند حاوی برنامه‌ای راهبردی برای چاره‌جویی مشکلات ناشی از حاشیه‌نشینی در کشور می‌باشد. به دنبال تصویب سند ستادی تحت عنوان ستاد ملی توانمندسازی، سکونتگاه‌های غیررسمی شکل گرفت.

۳. سیاست نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده

بافت‌های فرسوده، محدوده‌های آسیب‌پذیر شهر در برابر مخاطرات طبیعی (به ویژه زلزله) به شمار می‌آیند. بر حسب گزارش شورای عالی معماری شهرسازی؛ درحال حاضر به طورمتوسط حدود ده درصد سطح شهرها در ایران، شامل بافت‌های فرسوده هستند (یوسفی، ۱۳۹۲:۱۵). مناطق اسکان غیررسمی، موضوع غیرقانونی بودن زمین را به همراه خود دارند و بر پایه زمین‌هایی شکل گرفته‌اند که متعلق به ساکنان فعلی آن نیست، در حالی‌که بافت‌های فرسوده لزوماً این ویژگی را ندارند. اسکان غیررسمی مربوط به داخل شهرها نیست و اغلب خارج از محدوده شهرها شکل می‌گیرد، در صورتی‌که بافت فرسوده علاوه بر خارج از محدوده شهر، داخل شهر را نیز در بر می‌گیرد (محمدی، ۱۳۹۳:۷).

۴. سیاست مسکن مهر

* Prabuha

† Lyer

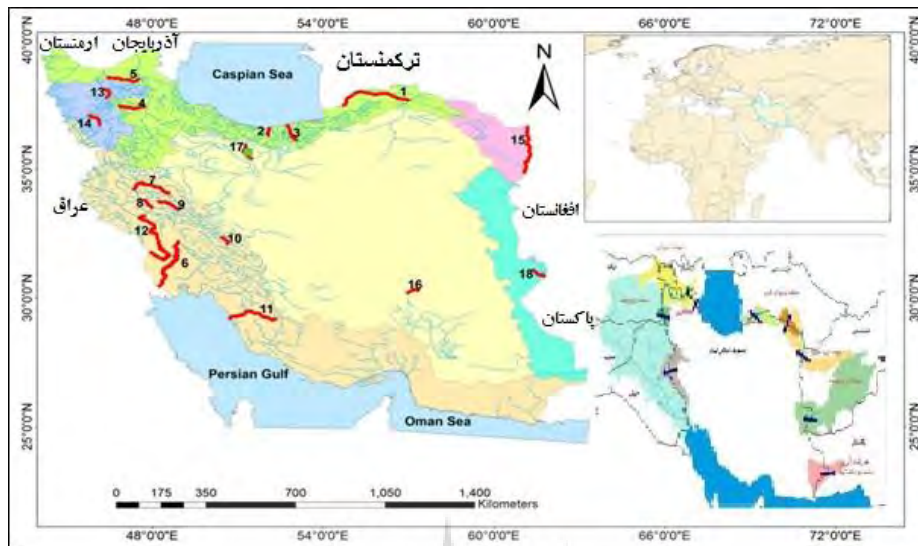
طرح تولید انبوه مسکن ارزان برای گروه‌های کم‌درآمد که طرح مسکن مهر نام‌گذاری شد، یکی از برنامه‌های محوری دولت نهم برای کمک به گروه‌های محروم شهری است. مسکن مهر با در دستور قرار دادن نگاه جامعه‌گرایانه، در اختیار گذاشتن واحد مسکونی برای همه خانوارها، عملاً بر آن بوده است که قیمت زمین را از عوامل موثر در تولید (سرمایه، زمین، نیروی کار، مصالح ساختمانی و مدیریت) حذف نماید و بدین سبب، از رو آوردن به زمین‌های پیرامونی و حتی حریم قانونی شهرها گریزی نداشته است، و به سبب نبود این کالا در حلقه پیرامونی متصل به شهرها به مناطقی دوردست از شهرها، رو آورده است.

پایه های نظری آمایش مناطق مرزی

چارچوب نظری توسعه مناطق مرزی، در کل، چارچوب توسعه منطقه ای است. از آنجایی که مناطق مرزی با مناطق مرکزی متفاوت است، این چارچوب نظری بر تفسیر پدیده عدم تعادل منطقه ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی استوار است. اصولاً تمام نظریه های مربوط به توسعه منطقه ای بر پایه پدیده عدم تعادل منطقه ای به عنوان محور بحث هایشان می چرخند. این نظریه ها یا پدیده عدم تعادل منطقه ای را تفسیر میکند و یا برای رفع آن، راه حل ارائه میدهد. از آن جایکه عدم تعادل منطقه ای میان مناطق مرزی و مناطق مرکزی مشهود، و شاخص است، پایه های نظری آمایش مناطق مرزی بر نظریه های توسعه منطقه ای مستقر میشود. مشوقهای اقتصادی توسعه، که کمکهای مالی توسعه منطقه ای نماد آن در دهه ۱۹۸۰ بود، تاکنون مهمترین ابزار سیاستگذاری بوده است مهمترین پایه های نظری توسعه منطقه ای که در آمایش مناطق مرزی تاکنون مورد استفاده قرار گرفته، متکی بر نظریه های مکان مرکزی، والتر کریستالر، نظریه قطب رشد، پیه رو، نظریه مرکز - پیراون، جان فریدمن، و نظریه بازگشت تمرکز بوده است. گرچه این نظریه ها به صورت مستقیم به موضوع مناطق مرزی پرداختند، اما دیدگاههایی نظری در رابطه با پدیده عدم تعادل منطقه ای را مطرح ساختند که بر نظریه ها و دیدگاه های نظری مناطق مرزی تأثیرگذار بوده است.

آمایش مناطق مرزی ایران

مناطق مرزی ایران یکی از مهمترین و حساسترین مناطق مرزی خاورمیانه و کل جهان به حساب می آید. این مناطق در طول تاریخ چندین هزار ساله کشور، حوادث گوناگون سیاسی و نظامی را شاهد بوده است. برخورداری ایران از موقعیت ممتاز ژئوپولیتیک، حساسیت بیشتری نسبت به این مناطق جلب کرده است. بنابراین، در طول تاریخ چند هزار ساله کشور، نه تنها وسعت و شکل جغرافیایی ایران دچار تحول شده، بلکه مرزهای سیاسی آن کم و بیش دستخوش تغییر بوده است (روحی، ۱۳۹۸: ۱۶). در چنین شرایطی شاهدیم که از دیرباز، قسمتهایی از مناطق مرزی ایران به دلایل زیر یکی از نقاط آسیب پذیر و بحران خیز به شمار میرفته است :



شکل ۲: مناطق و حوضه های آبریز مرزی همسایگان جمهوری اسلامی ایران
Fig 2: Border areas and neighbors of the Islamic Republic of Iran

۱. وجود تهدیدات نظامی مداوم؛
 ۲. تردهای غیرقانونی اتباع کشورهای مجاور به صورت مهاجرین غیرقانونی، گروه های معاند و قاچاقچیان مواد مخدر؛
 ۳. توسعه نیافتگی و محرومیت.
- همچنین مناطق مرزی ایران از ویژگی های زیر برخوردار است :
۱. مرز طولانی به طول ۷۸۱۶ کیلومتر؛
 ۲. تنوع جغرافیایی در مناطق مرزی (خشکی، آبی، کوهستانی صعب العبور و ...)
 ۳. همسایگی ایران با ۱۵ کشور و کسب دومین رتبه در جهان، بعد از چین؛
 ۴. قرار گرفتن بیش از نیمی از استانهای کشور در مناطق مرزی (۱۶ استان از ۳۰ استان کشور)؛
 ۵. کمبود زیرساختهای توسعه و ضعف بنیانهای اقتصادی؛
 ۶. تراکم اندک جمعیت و پراکندگی آن در نواحی نزدیک به مرز؛

۷. تنوع خطرات و تهدیدات امنیتی از سوی همسایگان و وابستگی آنها به ابرقدرتها؛

۸. عدم تعادل و نابرابریهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و بین این مناطق و مناطق مرکزی؛

۹. پایین بودن شاخصهای توسعه در بیشتر این مناطق در مقایسه با میانگین آن در سطح ملی؛

۱۰. فقدان یک چارچوب عملی برای شناخت و تحلیل این مناطق.

بنابراین عوامل، تشدید محرومیت و توسعه نیافتگی و ناامنی مناطق مرزی کشور را همواره در طی تاریخ شاهد بودیم (احمدی، ۱۳۹۷: ۵۳). بر اساس ویژگیهای برشمرده شده مناطق مرزی ایران میتوان مسایل و مشکلات ناشی از این خصوصیات را به شرح زیر آورد:

۱. فقر و محرومیت شدید در مناطق مرزی که زمینه های مناسبی را برای ایجاد ناامنی، آلودگی به قاچاق مواد مخدر، اسلحه و کالا فراهم میسازد؛

۲. تحمیل هزینه های سنگین ایجاد امنیت توأم با تلفات جانی و کاهش امنیت این مناطق؛

۳. پخش و اشاعه ناامنی توسط مهاجرین غیرقانونی، پناهندگان، قاچاقچیان، اشراک و گروههای معاند؛

۴. ایجاد شکاف اجتماعی و تبعیض قومی و فرهنگی در برخی مناطق؛

۵. فقدان نظام تصمیم گیری منسجم، هماهنگ و کارآمد در مورد مناطق مرزی.

در سالهای اخیر اقداماتی چند، گرچه پراکنده و بدون انسجام کافی و تبعیت از طرحهای معین و منسجم صورت گرفته، اما باید تقویت و منسجم شود:

۱. احیای نسبی بخشی از منابع منطقه ای و محلی؛

۲. کاهش تردد غیرقانونی؛

۳. قطع درگیریهای مسلحانه در برخی مناطق مرزی

۴. ایجاد فرصتها و قابلیت‌های جدید جهت جذب مهاجرین جدید از گروه‌های میانی کشور و افزایش تراکم جمعیت در این مناطق؛

۵. خارج ساختن برخی مناطق از انزوا؛

۶. افزایش اعتماد نسبی مرزنیسان؛

۷. تخفیف محرومیت و فقر این مناطق؛

۸. کاهش حساسیتهای قومی و فرهنگی و تقویت وحدت ملی و همبستگی اجتماعی (مولایی، ۱۳۹۷: ۴۹).

نظام برنامه ریزی جغرافیایی و جایگاه طرح‌های توسعه شهری و منطقه ای در نواحی مرزی

به طور کلی نظام برنامه ریزی توسعه نواحی مرزی هر کشور بسته به اهداف، مکان، زمان و سطوح مدیریت در آن کشور، دارای سلسله مراتب سیستمی است. براساس این نظام انواع برنامه ریزی جغرافیایی و فضایی ممکن است به کارگرفته شود. از نظر اهداف کیفی؛ میتوان انواع برنامه ریزیهای تعدیلی، بدعتی، اخباری، دستوری، اختصاصی و ارشادی را به کار گرفت. از نظر اهداف کمی؛ انواع برنامه ریزیهای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فضایی، فیزیکی - کالبدی و آمایش سرزمین، میتوان مورد استفاده قرار داد.

از نظر سطوح جغرافیایی، میتوان برنامه ریزی سطوح ملی، منطقه ای و محلی را طراحی کرد. از نظر سطوح کلی؛ برنامه ریزی کلان و برنامه ریزی خرد و از نظر مدیریتی؛ برنامه ریزی بر حسب سطوح تصمیم گیری، مدیریت استراتژیک، تاکتیکی، فنی و عملیاتی طراحی میشود. از نظر مدت اجرا، میتوان برنامه ریزی بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت را تدوین کرد و از منظر مدیریت طرح‌های فضایی - کالبدی، امروزه، طرح‌های راهبردی (استراتژیک)، ساختاری و محلی را تدوین مینمایند.

برنامه ریزی سطوح طرح‌های فضایی - کالبدی شامل :

انواع طرح‌های ملی مانند طرح‌های آمایش سرزمین، طرح‌های کالبدی ملی؛

طرح‌های منطقه ای مانند طرح‌های آمایش منطقه ای یا آمایش استان ها، و نیز طرح‌های کالبدی منطقه ای

طرح‌های ناحیه‌ای مانند طرح‌های جامع شهرستان

طرح‌های محلی که شامل طرح‌های جامع و تفصیلی شهری و طرح‌های هادی توسعه روستایی (اکبری، ۱۳۹۶: ۴۰).

فعالیت‌های تامین مسکن انجام گرفته در مناطق مرزی

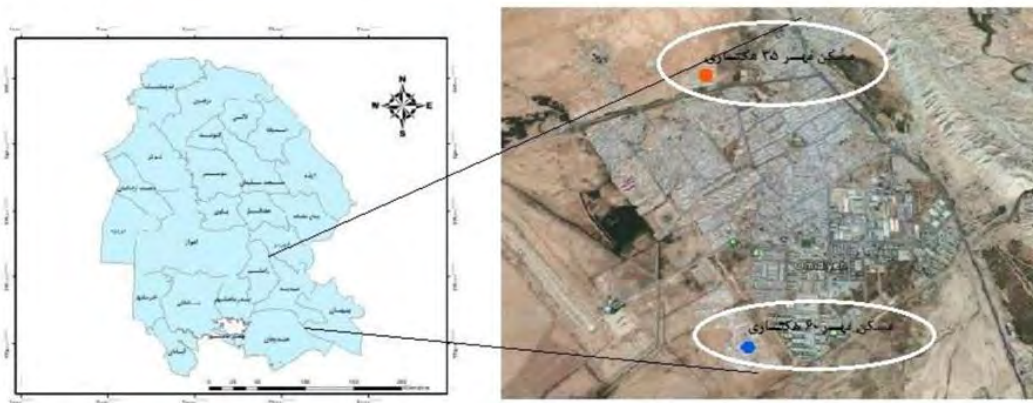
یکی از عرصه‌های نوین در مطالعات حوزه برنامه‌ریزی طرح‌های توسعه کشور، مناطق مرزی است. هرچند از گذشته تاکنون ابعاد گوناگون مسایل و مشکلات مربوط به این مناطق به طور پراکنده مورد مطالعه قرار گرفته است، اما آمایش مناطق مرزی با این عنوان، تاکنون نه تنها جایگاهش در نظام برنامه‌ریزی توسعه کشور تبیین نشده است، بلکه ابعاد و ویژگی‌های آن نیز کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در حال حاضر در وزارت راه و شهرسازی اقدامات در دو محور به شکل متوازن دنبال می‌شود که یکی از آنها بر توسعه و پیشرفت جمهوری اسلامی ایران در بخش ملی و بین‌المللی مرتبط است و محور دوم پروژه‌هایی هستند که از جنس محرومیت‌زدایی بخصوص در مناطق مرزی کشور به شمار می‌روند. در موضوع محرومیت‌زدایی در بخش مسکن و توسعه و اصلاح زیرساخت‌ها برنامه‌ریزی تامین ۲۰۰ هزار واحد مسکونی در این نواحی صورت پذیرفته است که توزیع جغرافیایی آن در جدول زیر ارائه گردیده است (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۴۰۰: -):

جدول شماره ۱: برنامه‌ریزی توزیع جغرافیایی تامین مسکن نواحی مرزی

Table 1: Planning the geographic distribution of housing supply in border areas

منطقه جغرافیایی	نواحی غربی	نواحی شرقی	نواحی جنوبی	نواحی شمالی
تعداد واحد برنامه‌ریزی شده	واحد 63000	واحد 78100	واحد 53600	واحد 53000

ارزیابی تحقیق یابی مسئولیت دولت در قبال رفاه شهروندی با تاکید بر حق مسکن (مطالعه موردی : نواحی ۹۵



شکل ۳: موقعیت تامین مسکن شهرستان امیدیه در استان خوزستان

Fig 3: The location of housing supply in Omidyeh city in Khuzestan province

در ادامه نقشه مکانهای تعدادی از نقاط مرزی که برنامه ریزی جهت تامین مسکن در آنها صورت گرفته و در حال انجام امور اداری و اجرایی هستند ارائه گردیده است.



شکل ۴: موقعیت تامین مسکن شهرستان سبزوار در استان خراسان رضوی

Fig 4: Housing supply location of Sabzevar city in Razavi Khorasan province

ج) مواد و روش تحقیق

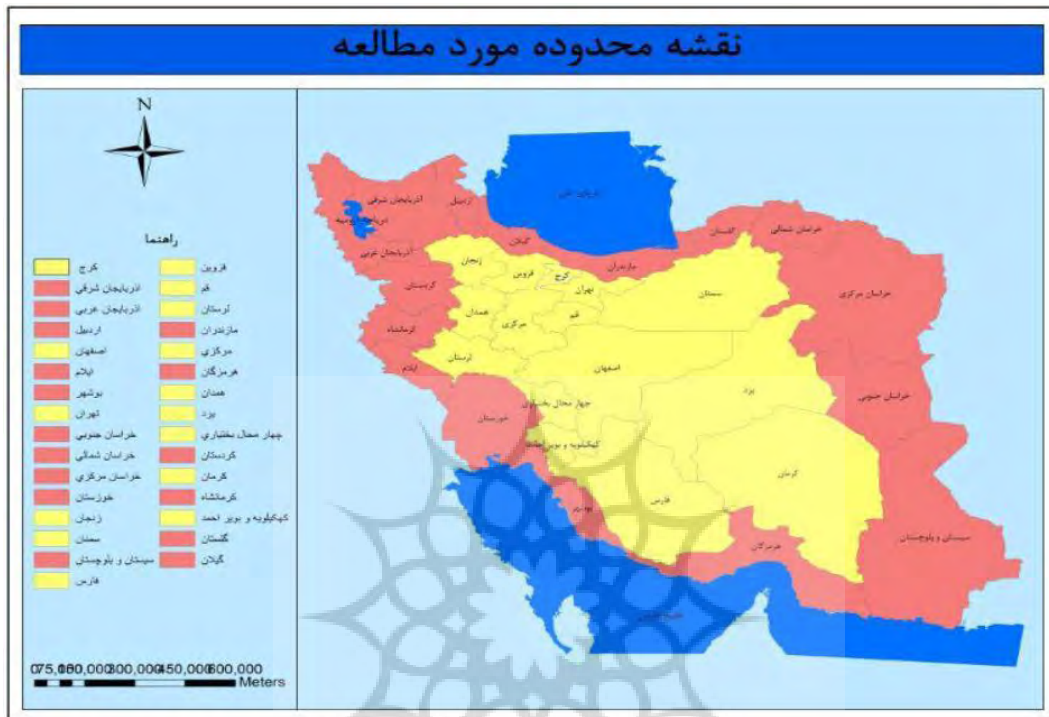
روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع توصیفی و تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی بوده، از روش‌های کتابخانه‌ای، اسنادی، پایگاه‌های علمی در اینترنت و داده‌های سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵ استفاده شده است. در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل میزان تحقق‌پذیری مسکن در استان‌های مرزی از مدل تحلیل فازی تاپسیس و برای ترسیم سطوح نیازمند توسعه مسکن در هراستان از نرم‌افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی ARCGIS استفاده شده است و برای بررسی درجه توسعه یافتگی مسکن از شاخص‌های زیر استفاده شده است. به طور کلی می‌توان شاخص‌های مسکن را در سه گروه عمده تقسیم‌بندی نمود:

جدووشماره ۲: تقسیم‌بندی شاخص‌های مسکن
Table 2: Classification of housing indicators

دسته ۱	دسته ۲	دسته ۳
شاخص‌های کمی مسکن	شاخص‌های کیفی مسکن	شاخص‌های اقتصادی مسکن
تراکم نفر در واحد مسکونی	نسبت مسکن مناسب	سهم اجاره بها واحد مسکونی در کل هزینه خانوار
تراکم خانوار در واحد مسکونی	عمر واحدهای مسکونی	هزینه‌های یک مترمربع زمین ساختمان مسکونی
متوسط اتاق در واحد مسکونی	نحوه‌ی تصرف واحدهای مسکونی	هزینه‌های یک مترمربع زیربنا
متوسط تعداد اتاق در تصرف خانوار	مساحت زیربنای واحد مسکونی	مصالح ساختمانی
تراکم نفر در اتاق	واحدهای مسکونی برخوردار از تسهیلات	شاغلین بخش ساختمان
کمبود واحد مسکونی		طول دوره‌ی ساخت واحدهای مسکونی

استان‌های مرزی کشور شامل ۱۶ استان می‌باشد که به ترتیب موقعیت عبارتند از: استان‌های شمال شرق و شرق کشور (خراسان شمالی، خراسان رضوی، خراسان جنوبی)، استان‌های شمال کشور (گلستان، مازندران، گیلان و اردبیل)، استان‌های شمال غرب و غرب کشور شامل استان‌های (آذربایجان غربی و شرقی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان) و استان‌های جنوب و جنوب شرق (بوشهر، هرمزگان و سیستان و بلوچستان) می‌باشند. جمعیت استان‌های مرزی ۳۶۵۸۳۸۳۸ نفر می‌باشد که ۴۸٫۶۴ درصد از جمعیت کشور را در برمی‌گیرد و همچنین مساحت استان‌های مرزی ۶۵۱۳۱۹ کیلومتر مربع می‌باشد.

نقشه شماره ۲



شکل ۵: محدوده مورد مطالعه

Fig 5: Map of the study area

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

استان	جمعیت	مساحت	سهم جمعیت از کل کشور
اردبیل	۱۲۴۸۴۸۸	۱۷۷۹۹,۹۹۱	۱,۶۶
آذربایجان غربی	۳۰۸۰۵۷۶	۳۷۴۱۱,۳۹۱	۴,۱
آذربایجان شرقی	۳۷۲۴۶۲۰	۴۶۶۵۰,۴۶۹	۴,۹۶
بوشهر	۱۰۳۲۹۴۹	۲۲۷۴۲,۷۴۱	۱,۳۷
ایلام	۵۵۷۵۹۹	۲۰۱۳۸	۵,۷۴
کرمانشاه	۱۹۴۵۲۲۷	۲۵۰۰۹,۲۶۹	۲,۵۹
خراسان جنوبی	۶۶۲۵۳۴	۹۵۳۸۴,۹۶۹	۰,۸۸
خراسان رضوی	۵۹۹۴۴۰۲	۱۸۸۵۱,۴۳۸	۷,۹۸
خراسان شمالی	۸۶۷۷۲۷	۲۸۴۳۴,۱۱	۱,۱۵
خوزستان	۴۵۳۱۷۳۰	۶۳۶۳۳,۶	۶
کردستان	۱۴۹۳۶۴۵	۲۹۱۳۶,۵۴۷	۱,۹۹
سیستان	۲۵۳۴۳۲۲	۱۸۱۷۸,۵۲۸	۳,۳۷
گلستان	۱۷۷۷۰۱۴	۲۰۳۶۷,۱۲۷	۲,۳۶
هرمزگان	۱۵۷۸۱۸۳	۷۰۶۹۸,۲۷۲	۲,۱۰
گیلان	۲۴۸۰۸۷۴	۱۴۰۴۱,۸۹۳	۳,۳۰
مازندران	۳۰۷۳۹۴۳	۲۳۸۴۱,۶۴	۴,۰۹
جمع	۳۶۵۸۳۸۳۸	۶۵۱۳۱۹	۴۸,۶۴

منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

د) تجزیه و تحلیل یافته ها

با توجه به ضرورت دسترسی به آمار مستند و واقعی به منظور طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه های کلان در امر تامین مسکن در پژوهش انجام شده به سطح بندی استان های مرزی کشور بر اساس شاخص های کمی و کیفی تامین مسکن پرداخته شده است، که سطح بندی استان ها باعث می شود که بخش های هم سطح شناسایی و از نظر سطح توسعه تقسیم بندی شوند و با توجه به آن برنامه ریزی های دقیق تر را به منظور بهبود بخشیدن و تسریع در تامین مسکن فراهم سازد.

جدووشماره ۴ : شاخص های مورد استفاده در تامین مسکن نواحی مممی
Table 4 : Indicators used in providing housing in border areas

عبارت اختصاری	شاخص ها
A 1	نسبت خانوار در واحد مسکونی
A 2	متوسط سطح زیربنا
A 3	(نسبت مصالح بادوام (بتن آرمه، اسکلت فلزی
A 4	متوسط عمر بنا
A 5	نسبت بهره مندی واحدهای مسکونی از حداقل برق به ازای ۱۰۰۰۰ نفر
A 6	نسبت بهره مندی واحدهای مسکونی از حداقل آب لوله کشی بهداشتی به ازای ۱۰۰۰۰ نفر
A 7	نسبت بهره مندی واحدهای مسکونی از حداقل گاز لوله کشی به ازای ۱۰۰۰۰ نفر
A 8	نسبت بهره مندی واحدهای مسکونی از حداقل شبکه ی عمومی فاضلاب
A 9	نسبت بهره مندی واحدهای مسکونی از حداقل شبکه ی عمومی فاضلاب

با استفاده از نتایج حاصل از ارزیابی گزینه ها براساس معیارها طبق اعداد فازی و عبارات کلامی به کاربرده شده در تکنیک تاپسیس فازی ، در جدول شماره ۵، نشان داده شده است. اعداد مندرج در این جدول میانگین فازی نظرات خبرگان می باشد. وزن هریک از معیارها نیز براساس نظر سنجی از خبرگان بدست آمده است. در ادامه نسبت به تشکیل ماتریس تصمیم گیری ارزیابی گزینه ها برای اولویت بندی معیارهای فوق الذکر اقدام میشود:

جدول ۵ : امتیازات فازی ارزیابی گزینه ها (ماتریس تصمیم گیری)

Table 5 :Fuzzy scores for evaluation of options (decision matrix)

معیار نوع	مثبت	مثبت	نسبت کالبدی-فضایی به مساحت	نسبت کالبدی-فضایی به جمعیت
A 1	(4.333,6.333,8.333)	(6.333,8.333,10.333)	(4.333,6.333,8.333)	(4.333,6.333,8.333)
A 2	(4.333,6.333,8.333)	(4.333,6.333,8.333)	(3.667,5,7)	(3.667,5,7)
A 3	(7,9,11)	(5.667,7.667,9.667)	(4.333,6.333,8.333)	(4.333,6.333,8.333)
A 4	(5.667,7.667,9.667)	(6.333,8.333,10.333)	(3,5,7)	(3,5,7)
A 5	(3.667,5.667,7.667)	(3,5,7)	(5,7,9)	(5,7,9)
A 6	(5.667,7.667,9.667)	(4.333,6.333,8.333)	(5.667,7.667,9.667)	(5.667,7.667,9.667)
A 7	(5.667,7.667,9.667)	(3.667,5.667,7.667)	(5.667,7.667,9.667)	(5.667,7.667,9.667)
A 8	(5.667,7.667,9.667)	(5.667,7.667,9.667)	(3.667,5.667,7.667)	(3.667,5.667,7.667)
A 9	(4.333,6.333,8.333)	(4.333,6.333,8.333)	(3.667,5.667,7.667)	(3.667,5.667,7.667)
معیار وزن	(7,9,11)	(5,7,9)	(3,5,7)	(3,5,7)

در این گام بایستی ماتریس تصمیم‌گیری فازی ارزیابی گزینه‌ها را به یک ماتریس بی‌مقیاس فازی (\tilde{R}) تبدیل نمائیم. برای به دست آوردن ماتریس، کافی است از یکی از روابط زیر استفاده نماییم:

$$i = 1, 2, \dots, m \quad j = 1, 2, \dots, n \quad \tilde{R} = [\tilde{r}_{ij}]_{m \times n} \quad \text{رابطه (۱):}$$

m : تعداد گزینه‌ها n : تعداد معیارها

اگر اعداد فازی به صورت (a,b,c) باشند، \tilde{R} که ماتریس بی‌مقیاس (نرمالیزه شده) است بدین صورت به دست می‌آید:

✓ اگر معیار مثبت باشد:

$$\tilde{r}_{ij} = \left(\frac{a_{ij}}{c_j^*}, \frac{b_{ij}}{c_j^*}, \frac{c_{ij}}{c_j^*} \right) \quad \text{رابطه (۲):}$$

در این رابطه c_j^* ماکزیمم مقدار c در معیار j در بین تمام گزینه‌هاست. رابطه شماره (۳) این موضوع را بیان می‌کند:

$$c_j^* = \max_i c_{ij} \quad \text{رابطه (۳):}$$

✓ اگر معیار منفی باشد:

$$\tilde{r}_{ij} = \left(\frac{a_j^\circ}{c_{ij}}, \frac{a_j^\circ}{b_{ij}}, \frac{a_j^\circ}{a_{ij}} \right) \quad \text{رابطه (۴):}$$

در این رابطه a_j° مینیمم مقدار a در معیار j در بین تمام گزینه‌هاست. رابطه شماره (۵) این موضوع را بیان می‌کند:

$$a_j^\circ = \min_i a_{ij} \quad \text{رابطه (۵):}$$

نتایج حاصل از بی‌مقیاس سازی در جدول (۶)، نشان داده شده است

جدول ۶: ماتریس بی‌مقیاس فازی

Table 6: Fuzzy dimensionless matrix

	نسبت کالبدی-فضایی به جمعیت	نسبت کالبدی-فضایی به مساحت	نسبت کالبدی-فضایی به سهم جمعیت از کل کشور
A 1	(0.394,0.576,0.758)	(0.576,0.758,0.939)	(0.419,0.613,0.806)
A 2	(0.394,0.576,0.758)	(0.394,0.576,0.758)	(0.355,0.484,0.677)
A 3	(0.636,0.818,1)	(0.515,0.697,0.879)	(0.419,0.613,0.806)
A 4	(0.515,0.697,0.879)	(0.576,0.758,0.939)	(0.29,0.484,0.677)
A 5	(0.333,0.515,0.697)	(0.273,0.455,0.636)	(0.484,0.677,0.871)
A 6	(0.515,0.697,0.879)	(0.394,0.576,0.758)	(0.548,0.742,0.935)
A 7	(0.515,0.697,0.879)	(0.333,0.515,0.697)	(0.548,0.742,0.935)
A 8	(0.515,0.697,0.879)	(0.515,0.697,0.879)	(0.355,0.548,0.742)
A 9	(0.394,0.576,0.758)	(0.394,0.576,0.758)	(0.355,0.548,0.742)

منبع: یافته های تحقیق

در این بخش نسبت به ایجاد ماتریس بی‌مقیاس وزین فازی (\tilde{V}) اقدام میشود.

$$\tilde{V} = [\tilde{v}_{ij}]_{m \times n} \quad i = 1, 2, \dots, m \quad j = 1, 2, \dots, n \quad \text{رابطه (۶):}$$

$$\tilde{v}_{ij} = \tilde{r}_{ij} \tilde{w}_j \quad \text{رابطه (۷):}$$

در این رابطه \tilde{r}_{ij} ماتریس بی‌مقیاس به دست آمده از گام دوم است و \tilde{w}_j هم وزن فازی معیار j ام می باشد.

جدول ۷، ماتریس بی‌مقیاس وزین فازی را نشان می دهد:

جدول ۷. ماتریس بی‌مقیاس وزین فازی

Table 7: Fuzzy weight dimensionless matrix

	نسبت کالبدی-فضایی به مساحت	نسبت کالبدی-فضایی به سهم جمعیت از کل کشور	نسبت کالبدی-فضایی به جمعیت
A 1	(2.758,5.182,8.333)	(2.879,5.303,8.455)	(1.258,3.065,5.645)
A 2	(2.758,5.182,8.333)	(1.97,4.03,6.818)	(1.065,2.419,4.742)
A 3	(4.455,7.364,11)	(2.576,4.879,7.909)	(1.258,3.065,5.645)
A 4	(3.606,6.273,9.667)	(2.879,5.303,8.455)	(0.871,2.419,4.742)
A 5	(2.333,4.636,7.667)	(1.364,3.182,5.727)	(1.452,3.387,6.097)
A 6	(3.606,6.273,9.667)	(1.97,4.03,6.818)	(1.645,3.71,6.548)
A 7	(3.606,6.273,9.667)	(1.667,3.606,6.273)	(1.645,3.71,6.548)
A 8	(3.606,6.273,9.667)	(2.576,4.879,7.909)	(1.065,2.742,5.194)
A 9	(2.758,5.182,8.333)	(1.97,4.03,6.818)	(1.065,2.742,5.194)

در این گام مشخص نمودن ایده آل مثبت فازی ($(FPIS, A)$) و ایده آل منفی فازی ($(FNIS, A)$)، برای معیارها انجام میشود.

$$A = (v_1^*, v_2^*, \dots, v_n^*) \quad \text{رابطه (۸):}$$

$$A = (v_1, v_2, \dots, v_n) \quad \text{رابطه (۹):}$$

در این نرم افزار از مقدار ایده‌آل مثبت فازی و ایده‌آل منفی فازی معرفی شده توسط چن برای تمام معیارها استفاده می‌شود. این مقادیر عبارتند از:

$$v_j = (0,0,0)$$

رابطه (۱۰):

در این گام مجموع فواصل هر یک از گزینه‌ها از ایده‌آل مثبت فازی و ایده‌آل منفی محاسبه می‌شود.

در صورتی که A و B دو عدد فازی به شرح زیر باشند، آنگاه فاصله بین این دو عدد فازی بواسطه رابطه (۱۱) به دست می‌آید:

$$\tilde{A} \quad (a_1, a_2, a_3)$$

$$\tilde{B} \quad (b_1, b_2, b_3)$$

رابطه (۱۱):

$$D(\tilde{A}, \tilde{B}) = \sqrt{\frac{1}{3}[(a_2 - a_1)^2 + (b_2 - b_1)^2 + (c_2 - c_1)^2]}$$

با توجه به توضیحات فوق در مورد نحوه محاسبه فاصله بین دو عدد فازی، فاصله‌ی هر یک از مؤلفه‌ها را از ایده‌آل مثبت و ایده‌آل منفی به دست می‌آوریم:

$$d_i^* = \sum_{j=1}^n d(\tilde{v}_{ij}, \tilde{v}_{ij}^*) \quad (i = 1, 2, \dots, m) \quad \text{رابطه (۱۲)}$$

$$d_i = \sum_{j=1}^n d(\tilde{v}_{ij}, \tilde{v}_{ij}) \quad (i = 1, 2, \dots, m) \quad \text{رابطه (۱۳)}$$

این نزدیکی نسبی را به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$CC_i = \frac{d_i}{d_i^*} \quad (i = 1, 2, \dots, m) \quad \text{رابطه (۱۴)}$$

بر اساس ترتیب نزولی می‌توان گزینه‌های موجود از مسأله را رتبه‌بندی نمود. هر گزینه‌ای که CC بزرگتری داشته باشد بهتر است. نتایج در جدول ۸ آورده شده است.

جدول ۸. رتبه بندی گزینه ها

Table 8: Ranking options

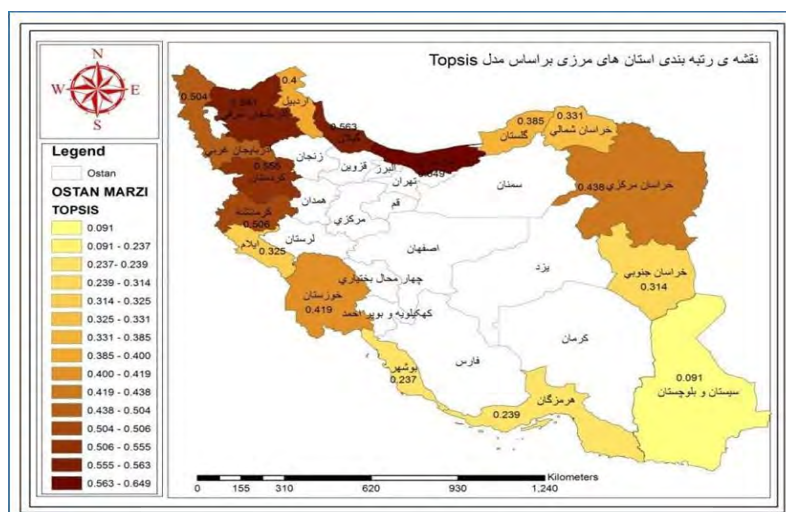
ردیف	گزینه ها	مثبت آل ایده تا فاصله	منفی آل ایده تا فاصله	CC	رتبه
1	A 1	13.004	15.661	0.545	5
2	A 2	14.118	13.731	0.553	۲
3	A 3	14.731	17.41	0.554	۱
4	A 4	12.445	16.083	0.543	۶
5	A 5	11.725	13.322	0.542	۷
6	A 6	11.46	16.131	0.534	۹
7	A 7	13.049	15.706	0.547	۴
8	A 8	11.333	15.985	0.541	۸
9	A 9	13.429	14.043	0.551	۳

منبع: یافته های تحقیق

نتایج حاصل از رتبه بندی گزینه ها با تکنیک Topsis فازی حاکی از این است که گزینه مصالح بادوام، کمترین فاصله تا ایده آل مثبت و بالاترین وزن موثر را نسبت به سایر گزینه ها بر تامین مسکن نواحی مرزی کشور دارا است.

بر اساس اوزان محاسبه شده ۹ گانه فوق، وزنهای محاسبه شده در قالب نقشه معیار وارد نرم افزار ARCGIS شده و پس از تلفیق لایه ها به روش "کانونی معکوس"، مطابق رنگبندی ارایه شده در نقشه، اولویت تحقق تامین مسکن هراستان به منظور بهبود رفاه شهروندان ساکن در این مناطق مشخص شده است. مطابق رنگ بندی ارایه شده، نواحی کم رنگ اولویت بالاتر و نواحی پررنگ از اولویت پایین تری برخوردارند.

نتایج حاصل از این تکنیک تلفیقی (تاپسیس-جی ای اس) نشان می دهد که استان های سیستان و بلوچستان، بوشهر، و هرمزگان کمترین امتیاز (بهترین رتبه) و استان های مازندران، گیلان و آذربایجان شرقی بیشترین امتیاز (پایین ترین رتبه) را کسب کرده اند.



شکل ۶: رتبه بندی استان ها بر اساس مدل تلفیقی تاپسیس-جی آی اس-منبع: یافته های تحقیق

Figure 6: Ranking of provinces based on TOPSIS-GIS source integrated model: research findings

نتیجه گیری

امروزه یکی از مهم‌ترین کارهای اقتصادی که دولت‌ها برای تامین رفاه شهروندان بایستی فراهم کنند تامین مسکن و امکانات رفاهی از جمله خوراک، پوشاک، سلامت و ... می‌باشد. در مرحله اول؛ مسکن، به‌عنوان نیاز ضروری در حال حاضر تلقی می‌شود. بنابراین بایستی سیاست‌هایی اتخاذ گردد تا امکانات شهروندی بخصوص در زمینه تامین مسکن مهیا شود.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که استان‌های سیستان و بلوچستان، بوشهر، و هرمزگان کمترین امتیاز (بهترین رتبه) و استان‌های مازندران، گیلان و آذربایجان شرقی بیشترین امتیاز (پایین ترین رتبه) را کسب کرده‌اند. نواحی مرزی شرق و جنوب کشور به مانند سایر عوامل توسعه در بحث مسکن نیز نسبت به نواحی غرب و شمال کشور در وضعیت نامناسبی قرار دارد. که البته تمامی استان‌های مرزی نسبت به استان‌های مرکزی کشور (تهران، اصفهان، فارس و...) از لحاظ توسعه مسکن در وضعیت بسیار بدتری قرار دارند. لذا دولت با مشارکت مردم این استان‌ها باید در برنامه ریزی‌های تامین مسکن ۲۰۰ هزار واحدی نواحی مرزی، با اولویت استان‌های شرقی و جنوبی نسبت به تخصیص درست بودجه‌های عمرانی به مسکن، اقدام کند. در تبیین این نتایج میتوان گفت مسکن به عنوان یکی از حقوق اجتماعی است که در ذیل حقوق شهروندی قرار می‌گیرد. داشتن سرپناه و خانه در کنار غذا و پوشاک، به عنوان یکی از نیازهای اساسی انسان مطرح می‌باشد. مسکن، مکانی امن برای انسان‌ها بوده و همچنین کارکردها و ارتباطاتی با سایر بخش‌های زندگی بشری دارد، از این رو مرکز توجه قرار گرفته است. این بخش نقشی موثر در اقتصاد، اجتماع و در کل نهاد بشریت دارد. هم اکنون مسئله تامین مسکن به عنوان کلیدی‌ترین مسئله در شهرهای جهان سوم مطرح می‌باشد. در این میان، چالش مسکن به ویژه مسکن

کم‌درآمدها به عنوان یک مسئله و چالش جهانی مطرح است که در کشورهای در حال توسعه بیش از کشورهای توسعه یافته است. در کشور ما و سیاست‌های کلی حاکم بر آن، توجه به بحث تامین مسکن گروه‌های کم‌درآمدها مطرح بوده است. پنج برنامه قبل از انقلاب و شش برنامه پس از انقلاب به نوعی در زمینه تامین مسکن؛ برنامه، راهبرد و سیاست‌هایی ارائه و اجرا کرده‌اند. در برنامه اول تا چهارم توسعه؛ راهبردهایی همچون زمین و مسکن رایگان، مسکن اجتماعی و حمایتی و در برنامه چهارم؛ مسکن مهر به عنوان راهبردها و طرح‌هایی جهت پاسخ‌گویی به چالش مسکن گروه‌های کم‌درآمد بوده است. اما آنچه از این برنامه‌ها استنباط شده است، شکست سیاست در این زمینه بوده است. در برنامه پنجم و نهایت در برنامه ششم؛ همچنان توجه خاص و جدی به مسکن‌دار شدن شهروندان بخصوص گروه‌های کم‌درآمد نشده است. بیشتر طرح‌ها نیمه تمام مانده است. تامین مسکن پایدار به‌عنوان نخستین رکن شهر پایدار، باید رأس برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان کشوری باشد. تولید انبوه مسکن بدون توجه به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی کشور در چندسال گذشته موجب شده تا برخلاف تصور عامه، بسیاری از گروه‌های درآمدی پایین جامعه، در حاشیه تحولات اقتصادی و اجتماعی جامعه قرار گیرند زیرا ساخت‌وسازهای انبوه؛ فضای رانت و سوداگری زمین و مسکن شهری را فراهم می‌کند و هر جا که رانت صورت گیرد، رقابت برابر از بین خواهد رفت. در کشور ما طی دوره‌های مختلف سیاسی، رویکردهای مختلفی برای تامین مسکن در نظر گرفته شده است.

پیشنهادهای:

آنچه در فحوای مطالب فوق بیان شد و اقداماتی که در بستر زمان توسط دولت‌های پس از انقلاب یا به تعبیر بهتر نظام حاکم صورت پذیرفت، میتوان پیشنهاداتی را به شرح ذیل در راستای تحقق امر مسکن که یک حق ذاتی است در برنامه‌ریزی‌های کلان مدنظر قرار داد:

- دولت باید نسبت به برنامه ریزی و تخصیص بودجه عمرانی تامین مسکن نواحی مرزی، اولویت تخصیص را به نواحی مرزی جنوبی و شرقی کشور بدهد.

- دولت باید راهبردهایی مناسب در اقتصاد کلان اتخاذ نماید تا بتواند اقتصاد را دوباره پویا کرده و همچنین ایجاد شغل و دیگر فرصت‌های کسب درآمد کند. این امر یک مبنای محکم برای رفاه اجتماعی است.

- دولت باید میزان پوشش برنامه‌های بیمه اجتماعی را به افرادی که خارج از بخش رسمی کار می‌کنند، گسترش داده و نیز شمار حوادث احتمالی تحت پوشش را نیز افزایش دهد. گسترش پوشش به سمت خارج از بخش رسمی، می‌تواند بر اساس الزام یا اختیار باشد. برنامه‌ها باید سفارشی بوده تا متناسب با نیازهای افراد خارج از بخش رسمی باشد.

- دولت باید کارفرمایان را ملزم سازد تا برنامه‌های مقرری شغلی که ارائه کننده حمایت اجتماعی در سالمندی است، فراهم کنند. مقرری‌ها باید از یک کارفرما به دیگری قابل انتقال باشد.
- دولت باید نقش رهبری تقویت کمک‌های متقابل در جوامع را، از طریق تسریع ایجاد رابطه با برنامه‌های رفاه اجتماعی رسمی در بین دیگر موارد، به دست گیرد.
- پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه، رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه.
- بهره‌گیری از تجربیات موفق کشورها در زمینه تامین مالی مسکن گروه‌های کم‌درآمد؛
- کاهش دخالت مستقیم دولت و افزایش نقش تسهیل‌گر و قانون‌گذار با مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد، شهرداری و بخش خصوصی؛

- اتخاذ رویکرد توانمندسازی در زمینه تامین مسکن گروه‌های کم‌درآمد؛
- توجه به چارچوب و راهبردها و سیاست‌های طرح جامع؛
- پیگیری برنامه‌های اقتصاد مقاومتی در زمینه مسکن؛
- ارائه برنامه‌های متناسب با گروه‌های هدف؛
- سیاست تقاضا محوری با تاکید بر گروه‌های کم‌درآمد؛
- محلی کردن برنامه‌های تامین مسکن کم‌درآمدها در شهرها؛

منابع فارسی:

- اسماعیلی، رضا. (۱۳۹۶)، بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی و سطح‌بندی آن در شهرستان‌های استان اصفهان، رساله دکتری، دانشگاه اصفهان، ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.
- اسماعیلی، مرتضی. (۱۳۹۲)، بررسی نمونه‌های مسکن مهر در کشورهای دیگر، دوهفته‌نامه خبری پژوهشی مسکن، سال هفتم، شماره ۷۱.
- بابایی، مجتبی. (۱۳۹۵)، حق بر سطح مناسب زندگی از جمله حق بر غذا، برگرفته از کتاب حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نوشته آیسبورن، اید و کاتارینا، کراوزه و آلن روساس.
- بدراق نژاد، ایوب، فرهاد عزیزپور، حسن افراخته. (۱۴۰۰) بررسی نقش عوامل اثرگذار در توسعه فضایی نواحی روستایی مرزی (مورد مطالعه: روستاهای مرزی شهرستان گنبد کاووس). (علوم و فنون مرزی. 37- 67-103)
- برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد. (۱۳۹۷)، برنامه‌ریزی شهرهای پایدار. ترجمه احسان مجیدی فرد، چاپ سوم، مشهد: انتشارات مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی.
- پورمحمدی، محمدرضا. (۱۳۹۳)، برنامه‌ریزی مسکن، تهران، سازمان مطالعه و تأمین کتب درسی (سمت).
- پورمحمدی، محمدرضا. (۱۳۹۷)، برنامه‌ریزی مسکن، تهران، سازمان مطالعه و تأمین کتب درسی (سمت).
- پیران، پرویز. (۱۳۹۵)، تحلیل جامعه‌شناختی از مسکن شهری در ایران: اسکان غیررسمی، مجله جامعه‌شناسی ایران.
- پیران، پرویز. (۱۳۹۷)، مسکن گروه‌های کم درآمد و اسکان غیررسمی در ایران، مجموعه مقالات پانزدهمین همایش سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، جلد دوم، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، ص ۱۴۸.

ارزیابی تحقیق یابی مسئولیت دولت در قبال رفاه شهروندی با تأکید بر حق مسکن (مطالعه موردی : نواحی ۱۰۷

توفیق، فیروز. (۱۳۹۴)، مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی مسکن، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ چهارم.

خاکپور، براتعلی و امیری، عقیل. (۱۳۹۵)، شهرهای جدید ایران، اهداف اولیه، واقعیت امروز، دومین کنفرانس مدیریت و برنامه ریزی شهری مشهد.

خسروی، حسن. (۱۳۹۶)، حقوق اساسی ۱، انتشارات پیام نور، چاپ هفتم.

رازپور، رازق پور (۱۴۰۰). نقش آفرینی کنشگران در تحولات سازمان فضایی مناطق مرزی موردکاوی: شهر و نواحی پیراشهری بانه. نشریه پژوهش‌های برنامه و توسعه - 3. 146

رضاییان، علی. (۱۳۹۸)، اصول مدیریت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).

رضویان، محمدتقی؛ محمدی، کاوه و ابوبکری، طاهر. (۱۳۹۵)، فضاهاى فرسوده شهری (برنامه‌ریزی بهسازی و نوسازی). مشهد: انتشارات دانشگاه امام رضا (ع).

زاهدی اصل، محمد. (۱۳۹۵)، مبانی رفاه اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ سوم.

سراجی، محمود. (۱۳۹۳)، حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی.

شجاعی تهرانی، حسین. (۱۳۹۸)، کلیات خدمات بهداشتی، چاپ ششم، انتشارات میزان.

صومعلو، ابوالفضل. (۱۳۹۵)، مسکن هزاردستگاه: چرخش ساختاری در سیاست‌گذاری‌های مسکن و دستاوردهای آن، فصلنامه اقتصاد مسکن، شماره‌های ۴۷ و ۴۸.

فلامکی، فرح انگیز. (۱۳۹۵)، کلیات حقوق اساسی، انتشارات تهران، چاپ سوم.

محمدی، محمود؛ محرری، مهدی، اصغری، مرتضی. (۱۳۹۳)، مقایسه تطبیقی روش‌های بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده با روش‌های سازماندهی مناطق اسکان غیررسمی نمونه موردی (شهر مشهد)، ششمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری مشهد.

مخبر، عباس. (۱۳۹۲)، ابعاد اجتماعی مسکن، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی و اجتماعی و انتشارات، تهران.

مشتاق، زرگوش. (۱۳۹۶)، حقوق اداری مسئولیت‌مدنی دولت و کارکنان آن، چاپ سوم، انتشارات جنگل تهران.

منجذب، محمدرضا و مصطفی‌پور، مصطفی. (۱۳۹۲)، بررسی اثرات مسکن مهر بر بازار مسکن در ایران، فصلنامه سیاست‌های راهبردی کلان، دوره ۱، شماره ۳.

نیکزاد، عباس. (۱۳۹۶)، حقوق مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجله رواق اندیشه.

هاشمی، سیدمحمد. (۱۳۹۵)، حقوق اساسی، اصول و مبانی کلی، دانشگاه شهید بهشتی.

هداوند، مهدی و مسلم آقایی طوق. (۱۳۹۴)، دادگاه‌های اختصاصی اداری - در پرتو اصول و آیین‌های دادرسی منصفانه، چاپ دوم، تهران: خرسندی.

ویژه، محمدرضا. (۱۳۹۴)، مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین، نشریه حقوق اساسی، شماره ۲.

یوسفی، علی؛ جعفرزاده، پروین، سادات ایازی، فاطمه. (۱۳۹۲)، حس مکان و مقاومت مالکین در برابر طرح‌های مرمتی بافت‌های فرسوده شهری مورد مطالعه منطقه آبکوه مشهد، پنجمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری مشهد.

References

- Hashemi, Seyyed Mohammad. (2016), *Fundamental Rights, General Principles and Basics*, Shahid Beheshti University.
- Razovian, Mohammad Taghi; Mohammadi, Kaveh and Abu Bakri, Taher. (2016), *worn-out urban spaces (improvement and renovation planning)*.
- Babaei, Mojtabi. (2015), *The right to a suitable standard of living, including the right to food*, taken from the book of economic, social and cultural rights, written by Eisborn, Aid and Katarina, Krause and Ellen Rosas.
- Esmaeili, Reza. (2016), *Investigation of social development indicators and its stratification in the cities of Isfahan province*, PhD thesis, Isfahan University, Literature and Humanities, Department of Social Sciences.
- Esmaili, Morteza. (2012), *Review of Mehr housing examples in other countries*, housing research biweekly, 7th year, number 71.
- Flamaki, Farah Gabi. (2015), *Generalities of Constitutional Rights*, Tehran Publications, 3rd edition.
- Hadavand, Mahdi and Muslim Aghaei Tough. (2014), *Special Administrative Courts - in the Light of Principles and Fair Procedures*, 2nd Edition, Tehran: Khorsandi. Special,
- Khakpour, Baratali and Amiri, Aqeel. (2016), *Iran's new cities, primary goals, today's reality, the second Mashhad urban planning and management conference*.
- Khosravi, Hassan. (2016), *Fundamental Rights 1*, Payam Noor Publications, 7th edition.
- Manzaf, Mohammad Reza and Mostafapour, Mostafa. (2012), *Investigating the effects of Mehr housing on the housing market in Iran*, *Macro Strategic Policy Quarterly*, Volume 1, Number 3. Mashhad: Imam Reza University Press. Zahedi Asl, Mohammad. (2015), *Basics of Social Welfare*, Tehran: Allameh Tabatabai University Publications, third edition.
- Mohammadi, Mahmoud; Mohrhari, Mehdi, Asghari, Morteza. (2014), *comparative comparison of the methods of improving and renovating worn-out structures with the methods of organizing informal settlement areas of a case study (Mashhad city)*, 6th Mashhad Urban Planning and Management Conference.
- Mohammadreza. (2014), *The concept of the principle of equality in modern public law*, *Basic Laws Journal*, No. 2.
- Mokhbar, Abbas. (2012), *Social Dimensions of Housing, Program and Budget Organization*, Center for Economic and Social Documents and Publications, Tehran.
- Mushtaq, Zargosh. (2016), *Civil liability administrative law of the government and its employees*, third edition, Jangal Publishing House, Tehran.
- Nikzad, Abbas. (2016), *People's Rights in the Constitution of the Islamic Republic of Iran*, *Rowaq Andisheh Magazine*
- Piran, Parviz. (2016), *Sociological analysis of urban housing in Iran: informal housing*, *Iranian Journal of Sociology*.
- Piran, Parviz. (2017), *Housing for low-income groups and informal housing in Iran*, *Proceedings of the 15th Conference on Housing Development Policies in Iran*, Volume II, Tehran: Ministry of Housing and Urban Development, p. 148.
- Pourmohammadi, Mohammad Reza. (2017), *Housing Planning*, Tehran, Organization for Studying and Supplying Textbooks (Samt).
- Pourmohammadi, Mohammadreza. (2013), *Housing Planning*, Tehran, Organization for Studying and Supplying Textbooks (Department).
- Rezaeiyan, Ali. (2018), *Principles of Management*, Tehran: Organization for the Study and Compilation of Humanities Books (Samt)

- Saraji, Mahmoud. (2014), The Rights of the Nation in the Constitution of the Islamic Republic of Iran, Scientific Research Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies.
- Shujaei Tehrani, Hossein. (2018), general health services, sixth edition, Mizan publications.
- Soumalo, Abulfazl. (2016), Housing of a thousand devices: a structural turn in housing policies and its achievements, Housing Economics Quarterly, numbers 47 and 48.
- Tawfiq, Firouz. (2014), Collection of topics and methods of urban housing development, Urban Planning and Architecture Studies and Research Center, Ministry of Housing and Urban Development, 4th edition.
- United Nations Human Settlements Program (2017), sustainable cities planning. Translated by Ehsan Majidi Fard, third edition, Mashhad: Publications of the Islamic Council Research Center.
- Yousefi, Ali; Jafarzadeh, Parveen, Sadat Ayazi, Fatemeh. (2012), Sense of place and owners' resistance to restoration projects of worn-out urban structures studied in Abkoh area of Mashhad, 5th Mashhad Urban Planning and Management Conference.
- Gunneken, Van. Wouter, (2009), Social security and Global Socio-Economic Floor: Towards a Human Rights-based Approach, [http://www. Sage pub. co. uk. /Journals Permissions. nav. vol. 9 \(2\): pp228-245;104677](http://www. Sage pub. co. uk. /Journals Permissions. nav. vol. 9 (2): pp228-245;104677).
- Kaske, Edwin, (2015), social security and older people: An African perspective, international social work 2005, published by Sage.
- Prabuha K. Seeta & Lyer V. Sandhya (2011): Public Provision of social security: The Challenge in South Asian, south Asia Economic journal,
- Woolcock, M., Narayan, P. (2010). Social Capital; Implication for Development Theory, Research and Policy, The World Bank Research Observer, 15 (2), pp: 225-249.

Quarterly of New Attitudes in Human Geography (spring) 2023, Vol. 15. No 2

**Evaluation of the realization of the government's responsibility towards the well-being of citizens with an emphasis on the right to housing
(case study: border areas of the country)**

Mostafa Nesai

PhD Candidate of Public Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

Khodadad Khodadadi Dashtaki*

Associate Professor in Private Law, Isfahan Center, Payam Noor University, Isfahan, Iran

Ali Parimi

Associate Professor in Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Damghan Branch, Islamic Azad University, Damghan, Iran

Abstract

This research was conducted with the aim of evaluating the realization of the government's responsibility towards the welfare of the citizens, emphasizing the right to housing in the border areas of the country. The research method of the current study is descriptive-analytical, survey-type, and practical in terms of purpose. The method of collecting information is library and documents, library methods, documents, scientific databases on the Internet and data of population and housing census 2015 were used. In this research, in order to analyze the level of realizability of housing in the border provinces, TOPSIS fuzzy analysis model was used, and ARCGIS geographic information system software was used to draw the levels required for housing development in Herastan. The border provinces of the country include 16 provinces. The population of the border provinces is 3,658,3838 people, which includes 48.64% of the country's population, and the area of the border provinces is 651,319 square kilometers. The results of ranking the options with the fuzzy TOPSIS technique indicate It is that the option of durable materials has the smallest distance to the positive ideal and the highest effective weight compared to other options on the feasibility of housing in the border areas of the country. Based on the calculated weights of fuzzy TOPSIS model, the map of the required criteria was prepared and entered into ARCGIS software, and after combining the layers using the "reverse focal" method, the priority of providing housing in Harastan in order to improve the welfare of citizens living in these areas has been determined. The results of this integrated technique (TAPSIS-JAS) using the "reverse focal" method show that the provinces of Sistan and Baluchistan, Bushehr, and Hormozgan have the lowest score (the best rank) and the provinces of Mazandaran, Gilan, and East Azerbaijan. have obtained the most points (the lowest rank). Due to increasing housing prices and increasing demand, housing supply policies should be optimized according to population growth in identified areas. Keywords: Government's responsibility, welfare of citizens, provision of housing in border areas of the country.

Introduction:

One of the basic principles and foundations of the welfare state is to provide minimum welfare facilities for the citizens, therefore paragraph one of Article 43 of the Constitution establishes the economy of the Islamic Republic of Iran based on criteria, one of which is the provision of the basic needs of the people such as housing, food, Clothing, health, treatment, education and facilities are necessary for family members. A welfare state is a state in which the provision and improvement of public welfare is the legal duty of the power institutions. In this economic system, the government supports all those who cannot cover their expenses for any reason. It is the right of every Iranian individual and family to have housing that fits their needs (Zahedi, 2015: 49). The government is obliged to give priority to those who are most in need, especially the villagers and workers, to provide the ground for the implementation of

Quarterly of New Attitudes in Human Geography (spring) 2023, Vol. 15. No 2

this principle. The text above is Article 31 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, which asserts the right of every Iranian individual and family to have housing, which governments are obligated to provide based on this principle. Since the right to housing is considered one of the basic rights of every person in the society, Article 31 of the Constitution has specified this and emphasized its implementation, especially in the case of the needy classes (Mokhbar, 2012: 32). In every society, the government is considered as the representative of the nation, the trustee and administrator of the country's administration, and the set of facilities of the society is entrusted to this institution for the implementation of assigned tasks. In fact, there is an unwritten and at the same time a written contract between the government and the nation all over the world. This unwritten legal relationship, in its essence and nature, requires a right for the people under the rule and a duty for the government, and in the framework of the social contract or the national covenant that jurists consider to be reflected in the framework of the constitution, it determines specific tasks for the government that On the other hand, they refer to it as the rights and freedoms of the nation (Saraji, 2013:25). Providing housing means to provide suitable housing with culture and other parameters for people by taking into account individual, economic, social class and number of families or creating a platform to create a commitment. The key issue in the category of housing availability for citizens is the housing price. It is obvious that housing prices should not rise so much through speculation that housing ownership is far from the reach of the general public (Pourmohammadi, 2013: 26). To achieve this goal, the government can defend the low housing prices by relying on the tools it has, such as land taxes. The price of housing is also dependent on the issue of urbanization. When many facilities and accesses are concentrated in a city, business will become easier and housing prices will rise. Therefore, the price of housing is largely related to the distribution of population in geography. It is not the case that the issue of housing can be solved only by controlling its price. Reasonable supply should be done throughout the country. Reasonable supply of housing means proper urban development; It means that the costs and public facilities should be distributed in an integrated manner throughout the geography of Iran, taking into account the climatic conditions and spatial development based on the principles of land development in such a way that the price of land cannot rise easily. From the perspective of sociology; To have a balanced and normal life; We need the components of work, housing, education and health. These four priorities, which are referred to as minimum needs, are the necessary components of the life of a normal human being - a human being who is in the focus of attention in non-Muslim societies by respecting individual rights and needs. Houses are built at a reasonable price and are provided to the needy people (Mushtaq, 1396: 1396), but in our country, despite the fact that we claim Alavi justice and Husseini freedom, education, health, work, employment and housing are practically unattainable dreams. It has become a part of the people and the facilities related to housing, education and health have been allocated to prosperous and mostly wealthy families after the revolution. Different governments have implemented special mechanisms for the housing of citizens in the form of the Mehr housing scheme, Basijian, Hazar Dazat, Pardis, etc.; But due to the lack of commitments in completing projects and building buildings in inappropriate places, they have not been able to fulfill the right to housing, which is one of the fundamental rights of the citizens of the nation (Khosravi, 2016: 78). The housing sector is one of the leading sectors in any economy, which, in addition to its profound social-cultural effects, is also economically important and acts as an engine of growth and development, and this sector creates economic growth and creates employment in the construction sector. And related sectors create changes in the gross domestic product by affecting the consumption and investment expenses and strongly affect the economic fluctuations. Therefore, in the conditions of economic crisis and the seriousness

Quarterly of New Attitudes in Human Geography (spring) 2023, Vol. 15. No 2

of the unemployment problem, countries take help from this sector as a growth engine and generator of employment. At the same time, any kind of instability in the macroeconomics can make the efficient housing system (and any other economic sector) inefficient and make the goals set in the sector out of reach, so the first condition for the establishment of an efficient housing sector is to create a stable economic environment. (Tawfiq, 1394:179). Therefore, according to the above-mentioned contents, according to the importance of border areas and the necessity of providing safe and cheap housing to prevent the migration of villagers and border towns to metropolises, and also according to the geographical characteristics and environmental capabilities of each One of the border areas of providing housing and sustainable livelihood, which can be an effective step in the economic and social security of these areas, the main problem of this research is to evaluate the realization of the government's responsibility towards the welfare of citizens, emphasizing the right to housing.

Materials and Methods:

The research method of the current research is descriptive and analytical, and the method of collecting information is library and documents, library methods, documents, scientific databases on the Internet and data of population and housing census 1395 were used. In this research, in order to analyze the feasibility of housing in the border provinces, the TOPSIS fuzzy analysis model was used, and to draw the levels requiring housing development in Herastan, the geographic information system software ARCGIS was used, and to check the degree of housing development, the following indicators were used. Used. In general, the housing indicators can be divided into three main groups. The border provinces of the country include 16 provinces, which are, in order of location, the provinces of the northeast and the east of the country (North Khorasan, Razavi Khorasan, South Khorasan), The northern provinces of the country (Golestan, Mazandaran, Gilan, Wardbil), the northwestern and western provinces of the country, including the provinces of (West and Eastern Azerbaijan, Kurdistan, Kermanshah, Ilam, and Khuzestan), and the southern and southeastern provinces (Busher, Hormozgan, and Sistan). and Balochistan). The population of border provinces is 3,658,3838 people, which includes 48.64% of the country's population, and the area of border provinces is 651,319 square kilometers.

Results and Discussion:

Considering the necessity of access to documented and real statistics in order to design, implement and evaluate large programs in the matter of housing provision, in the research done, the stratification of border provinces of the country has been done based on quantitative and qualitative indicators of housing provision, which level The classification of the provinces makes the sectors of the same level to be identified and divided according to the level of development, and according to that, it provides more detailed planning in order to improve and accelerate the supply of housing. Using the results of the evaluation of the options Based on the criteria according to the fuzzy numbers and verbal expressions used in the fuzzy TOPSIS technique, it is shown in Table No. 5. The numbers in this table are the fuzzy average of experts' opinions. The weight of each criterion was obtained based on the opinion of experts. In the following, the formation of the decision-making matrix for the evaluation of the options for prioritizing the above-mentioned criteria is carried out.

Conclusion:

Today, one of the most important economic tasks that governments must provide for the welfare of citizens is the provision of housing and amenities such as food, clothing, health, etc. In the first stage; Housing is considered as an essential need now. Therefore, policies should be adopted to provide citizenship facilities, especially in the field of housing.

The results of this research show that the provinces of Sistan and Baluchistan, Bushehr, and Hormozgan have the lowest score (the best rank) and the provinces of Mazandaran, Gilan,

Quarterly of New Attitudes in Human Geography (spring) 2023, Vol. 15. No 2

and East Azarbaijan have the highest score (the lowest rank). The border areas of the east and south of the country, like other development factors, are in an unfavorable situation in terms of housing compared to the border areas of the west and north of the country. Of course, all the border provinces are in a much worse situation than the central provinces of the country (Tehran, Isfahan, Fars, etc.) in terms of housing development. Therefore, the government, with the participation of the people of these provinces, should take action in planning the provision of 200,000 units of housing in the border areas, with the priority of the eastern and southern provinces in relation to the proper allocation of construction budgets to housing. In explaining these results, it can be said that housing is one of the It is one of the social rights that comes under citizenship rights. Having a shelter and a house, along with food and clothing, is one of the basic human needs. Housing is a safe place for humans and also has functions and connections with other parts of human life, therefore it is the center of attention. This sector has an effective role in the economy, society and in the whole institution of humanity. Currently, the issue of providing housing is the most important issue in third world cities. Meanwhile, the challenge of housing, especially low-income housing, is a global issue and challenge, which is more common in developing countries than in developed countries. In our country and the general policies governing it, attention has been given to the issue of providing housing for low-income groups. Five programs before the revolution and six programs after the revolution in some way in the field of providing housing; They have presented and implemented plans, strategies and policies. in the first to fourth development plan; strategies such as free land and housing, social and supportive housing and in the fourth plan; Mehr Housing has been a strategy and plan to respond to the housing challenge of low-income groups. But what has been deduced from these programs is the failure of the policy in this field. in the fifth program and finally in the sixth program; Still, special and serious attention has not been paid to housing the citizens, especially the low-income groups. Most of the projects are half finished. Providing sustainable housing as the first pillar of a sustainable city should be at the top of the country's plans and policies. The mass production of housing regardless of the social and cultural contexts of the country in the past few years has led to the fact that, contrary to popular belief, many low-income groups of the society are on the sidelines of the economic and social developments of the society because mass constructions; It provides the space for rent and speculation of land and urban housing, and wherever rent takes place, equal competition will disappear. In our country, during different political periods, different approaches have been taken to provide housing.

Keywords: Government's responsibility, welfare of citizens, provision of housing in border areas of the country

* (Corresponding Author) kh_khodadadi_1391@yahoo.com